

روستای هزار رنگ ایران

سفری به «روستای چنشت»؛ یک سرزمین کوچک چند هزار ساله که به سرزمین رنگ‌های ایران معروف شده و تا چند سال پیش هیچ دوربینی اجازه ورود به آن جار انداشت

اکرم انتصاری | روزنامه نگار

پرونده

شاید اگر خانه‌های روستای چنشت هم با خاک سرخ ساخته شده بود، آن را با روستای معروف ابیانه اشتباه می‌گرفتید پس که همه چیز در این روستا پر از رنگ و گل و بوته است، اما فاصله چنشت در استان خراسان جنوبی با ابیانه در اصفهان زیاد است و برعکس ابیانه شاید تا به حال حتی اسم این روستا هم به گوش تان نخورده باشد. تا چند سال پیش هیچ دوربینی اجازه ورود به چنشت را نداشت، مردم روستا دوست نداشتند کسی از آداب‌ورسوم‌شان سر در بیاورد یا از مراسم عروسی‌شان فیلم بگیرد. آن‌هایی هم که به روستا رفتند با دوربین شکسته برگشتند و در مواردی کار به «کشته‌بس» می‌کشید. پس اگر تا امروز چیزی درباره روستای چنشت ندیده و نشنیده‌اید، حق دارید. البته بخشی از نگرانی مردم

چنشت از ثبت آیین‌شان شاید به سال‌های دور مرتبط باشد. وقتی در سال ۱۳۲۰ به دستور وزیر فرهنگ وقت، گروهی از باستان‌شناسان و زمین‌شناسان آمریکایی مامور می‌شوند تا غارهای خراسان را کاوش کنند. آن‌ها به غار چهل‌چاه و چنشت در این روستا هم آمدند و بخشی از گنجینه این روستا را غارت کردند، اما حالا اوضاع فرق کرده است، عکاس‌ها به روستا می‌روند و زیبایی‌هایش را که بخشی از آن مدیون پوشش

برای ورود دوربین به روستا

فرهنگ‌سازی کردیم

یکی از اهالی چنشت درباره اهالی این روستای ۴۰۰ خانواری ورسوم می‌گوید

جاذبه‌های چنشت تنها به پوشش رنگارنگ و گل‌گلی زنان یا غالب‌بودن رنگ سبز در روستا مربوط نمی‌شود. این روستا با داشتن دو غار اسرارآمیز و تاریخی که در آن اجساد بسیار قدیمی و اشیایی مربوط به دور‌اشکانیان پیدا شده است، مجموعه‌ای از جاذبه‌های گردشگری است. با این که چنشت نسبت به دیگر روستاهای خراسان جنوبی، کمتر دچار تغییر و تحولات فرهنگی شده، اما بخشی از آیین هزار ساله این آبادی رو به فراموشی است. با یکی از اهالی روستا درباره چنشت و اوضاع فعلی آن گفت‌وگو کردیم.

یکی از روستای شگفت‌انگیز ایران

چنشت به عنوان یکی از هفت روستای شگفت‌انگیز ایران معرفی شده بود، اما درباره آن هرچه بیشتر می‌گشتم، کمتر پیدامی‌کردم. مستند «چنشتی‌ها» به نویسندگی و کارگردانی احسان عمیدیان را که دیدم توجه دل‌یلش شدم. چنشتی‌ها در برابر دوربین وثیت‌فرهنگ ورسوم‌شان مقاومت داشتند. بخشی از این دل‌نگرانی به ماجرای سفر باستان‌شناسان آمریکایی به غار و تاج‌آثار ارزشمند درون آن برمی‌گردد و بخشی هم به فرهنگ ورسوم محلی‌شان که خوش‌ندانشتند از خان‌ها به خصوص در مراسم عروسی تصویر ضبط شود. آیین عروسی و پوشش خان‌ها در چنشت بسیار مفصل بوده است و شباهت‌هایی با پوشش کرمانج‌ها به خصوص در کلاه‌های سکه‌دوری شده دارد. عروس علاوه بر لباس محلی، چند لایه کلاه، تاج، انواع گردن‌بند، قفل و آئینه داشته که هر کدام‌شان نماد یک داستان است. مشاطه‌گر که می‌آمد به صورت عروس چند شیء پولک‌مانند رنگی می‌چسباند و کلاه و روسری آن‌را می‌بست. آیینی مانند صد کله‌قند، هیزم‌کشان و... هم از یادرفته است و شاید بشود نمونه آن را در آرشیهوای قدیمی پیدا کرد.

پوشش خان‌های روستا همان پوشاک محلی است

به دنبال فردی گشتم که در چنشت زندگی کند تا خودش درباره این روستا و آداب آن بگوید. ذبیح... حسن پور ۳۹ ساله و یکی از اهالی چنشت است که در همین روستا به دنیا آمده است و زندگی می‌کند. لهجه خاص همان منطقه را دارومی‌گوید: «مردم چنشت، فارس هستند و پوشش محلی‌شان منحصر به این روستاست. البته از دهه ۸۰ لباس آقایان باتوجه به مرادوات شهری تغییر کرده، اما پوشش خان‌ها همان پوشاک محلی است و همان سبک حفظ شده. چنشت یک روستای هدف گردشگری است و هم‌اکنون با فرهنگ‌سازی که صورت گرفته، تهیه عکس و فیلم در آن مشکلی ندارد، ولی باید به فرهنگ هر جامعه احترام گذاشت و در مراسم عروسی که جلسات خانوادگی است، احترام حفظ شود و عکاسی صورت نگیرد. دو غار این روستا یعنی چنشت و چهل‌چاه ثبت‌آثار ملی شده است. طبق سرشماری سال ۹۵، حدود ۳۴۵ خانواده در چنشت زندگی می‌کردند، ولی با مهاجرت معکوس الان بیشتر از ۴۰۰ خانوار در روستا زندگی می‌کنند.» او در پاسخ به این که چرا رنگ سبز و آبی در روستا غالب است، می‌گوید: «استفاده از رنگ‌های شاد در روحیه مردم تأثیرگذار است و در چنشت بیشتر رنگ سبز و آبی غالب است. این موضوع در پوشش و مصالح ساختمانی روستا هم به چشم می‌خورد و به همین دلیل به چنشت سرزمین رنگ‌های می‌گویند.»

یک بهشت کوچک در دل کویر

روستای چنشت در میان رشته‌کوه‌های باغران قرار گرفته و فاصله آن تا بیرجند ۶۰ کیلومتر است. درباره این که چرا این روستا به چنشت نام‌گذاری شده است، چند روایت وجود دارد که دور وایت آن بیشتر شنیده می‌شود. می‌گویند چهار رودخانه فصلی در این روستا وجود داشته و به همین دلیل به آن «چند شط» می‌گفتند و این نام به مرور زمان به چنشت تبدیل شده است. در روایت دیگری چنشت را هم‌وزن بهشت می‌دانند و می‌گویند خیلی‌ها به دلیل مواهب طبیعی این روستا و وجود چهار رودخانه فصلی، می‌گفتند این روستا با این که در دل یک منطقه کویری است، کم‌از بهشت ندارد. به همین دلیل خیلی‌ها آن‌جا را برای سکونت انتخاب کردند و باز هم به مرور زمان، کلمه بهشت به چنشت تبدیل شده است. طبیعی است که به دلیل مواردی که ذکر شد،

خانه‌های سبز و چار قدهای گلداز چشم‌نواز

اگر در چنشت از چند کوچه بگذرید و زیر چند سایه‌ساز، خودتان را از آفتاب پنهان کنید و نگاهی به دور و برتان بیندازید، می‌بینید گل‌گلی و رنگارنگ پوشیدن تنها مختص دخترهای کم‌سن‌وسال نیست. آن‌جا پیر و جوان و مرد و زن رنگی پوشیدن را دوست دارند و اصلاً چنشت را با همین رنگ‌های توان شناخت. در چنشت بیشتر از رنگ سبز و آبی در کنار هم استفاده می‌شود. آهنگران روی در خانه‌هایی که چوبی نیستند، با الهام از طبیعت طرح‌هایی از گل و پرند هایی مانند طاووس، طوطی یا حیواناتی مانند آهو انداخته‌اند و آن را با سبز و آبی رنگ زده‌اند. قبل‌ترها حتی لباس مردان در عروسی با پارچه‌های گلداز رنگی دوخته و خانه تازه عروس و داماد باید با تزکیب شلوغی از رنگ‌های سبز و آبی تزیین می‌شد. پیراهن زنان شلیته‌های چین دار خراسانی، قبا، بلند، روسری و سربند و چار قدهای گل‌گلی و رنگارنگ است و در عروسی‌ها کلاهی که به آن سکه‌های نقره‌ای دوخته می‌شود به این حس کیب اضافه می‌شود. در چنشت در صندوقچه هر زن یک کلاه نقره‌دوزی

برای مراسم جشن و عروسی‌ها پیدامی‌شود.

هر چه سن افراد بالاتر می‌رود، این کلاه سکه‌های بیشتری دارد. در سال‌های گذشته، لباس مردان به دیگر لباس‌ها شبیه شده، اما بعضی از بزرگان هنوز به لباس سنتی خود که شامل یک پالتوی بلند، شال سر و در برخی مواقع یک کلاه معمولی است، وفادار مانده‌اند. تنوع رنگ در لباس محلی مردم به روستا جان داده است. پشت پنجره هر خانه پرده‌ای سبز و رنگارنگ آویزان است و در هر خانه‌ای را که باز کنید، ترکیبی از رنگ‌های سبز، آبی یا قرمز در رفت و آمدند؛ از متکا و پرده تا رختخواب و لباس‌ها. رنگ در خانه چنشتی‌ها یک عنصر حیاتی به حساب می‌آید و به همین دلیل است که می‌گویند چنشت، سرزمین رنگ‌هاست.

در زندگی سلام امروز بخوانیم:

۶ شایعه درباره ورزش و تناسب اندام

واکاوی قتل پسری با آرایش زنانه

به بهانه اعتراف یک پدر به کشتن فرزند ۱۷ ساله اش که رفتار و آرایش زنانه داشته، از اشتباهات رایج بعضی والدین در برخورد با چنین فرزندانی گفتیم

۸ باور سمی که شانس موفقیت را

از بین می‌برد

طنز | بهترین دستور العمل تغذیه‌ای

برای کاهش وزن

کشاورزی و باغداری در این روستا پر رونق باشد و شغل اصلی مردمان این دیار. زنان روستا هم به کارهایی مانند گلدوزی‌های سنتی روی پارچه، قالی‌بافی و تولید صنایع دستی روستا مشغول اند و همین که بهار دامن سبزش را روی دشت و کوه‌پهن می‌کند به کوهپایه و کوهستان می‌روند و مشغول چیدن و بسته‌بندی داروهای گیاهی منطقه می‌شوند. در این روستا خانه‌ها کاه‌گلی است و سقف‌شان با پوشال پوشیده شده است. بقعه سید حامد علوی از نوادگان امام صادق (ع) از دور دست‌ها به چشم می‌آید. شاید ارادت زیاد اهالی به این بقعه است که رنگ سبز را به رنگ اصلی روستا تبدیل کرده است و در همه‌جا از تن‌پوش دخترکان و پسران تادروینجره و پرده‌ها این رنگ بیشتر از همه به چشم می‌آید. مردم این بقعه را به امامزادگان علوی هم می‌شناسند.

غار چهل‌چاه؛ میانبری به هندوستان!

آن قدیم‌ها مردم چنشت بر این باور بودند که غار چهل‌چاه که در ضلع شمالی روستا قرار دارد، به هندوستان راه دارد و هر کسی بتواند راه پرپیچ‌وخم غار را بیپیماید، به گنج خواهد رسید. این روایت خیلی‌ها را به چهل‌چاه کشانده که دست خالی برگشته‌اند. به گفته تاریخ، قدمت این غار به ۱۴۰۰ سال پیش برمی‌گردد و درون آن آثاری از زندگی انسان مانند سفال، چوب و پارچه هم دیده شده است. «رجبعلی لباف خانیکی» معاون سابق پژوهشی میراث فرهنگی خراسان جنوبی، در گفت‌وگو با زندگی سلام «ماجرای کشف غار چهل‌چاه و اجساد درون آن را این‌طور روایت می‌کند: «گروهی از کوهنوردان بیرجندی به داخل چاه این غار وارد شده و اعلام کردند که

اجساد ی را در این چاه یافته و حتی مجموعه‌ای را با خود بیرون آوردند. پس از این گزارش ما به همراه همان کوهنوردان وارد غار شدیم که ریسک بسیار بالایی هم داشت، چون کوه از نوع ریزشی بود و دالان‌های متعددی داشت. در غار با بقایای اجساد تعدادی مرد و زن و کودک مواجه شدیم. زمانی که اجساد درون غار کشف شدند، تصمیم گرفته شد که ورودی این غار ناشناخته بماند و کسی داخل نشود، چرا که هر گونه تغییر و جابه‌جایی این استخوان‌ها اشتباهی بسیار بزرگ است.



بنابراین مدخل غار را بستیم و تنها میراث فرهنگی می‌دانست که ورودی آن کجا واقع شده است، اما بعداً متوجه شدم که این غار پنهان باقی نمانده و به سرنوشت غار چنشت دچار شده است.» در ۲۵۰ متری چهل‌چاه، غار دیگری به نام چنشت وجود دارد که درازای آن به ۶۰ متر می‌رسد و عبور از این غار سخت است. در این غار بازمانده‌هایی از اجساد، استخوان‌های درهم‌شکسته انسان، چرخ‌نخریسی و ظروفی بسیار قدیمی به چشم می‌خورد که همگی نشانی از زندگی در روزگار کهن داشتند. گفته می‌شود اجساد سید حامد علوی و فرزندانش هم در سال ۶۱۴ هجری قمری از درون همین غار کشف شد و بعد به بقعه‌ای که امروز چنشتی‌ها آن را به بقعه امامزادگان علوی می‌شناسند، منتقل شد.



محلی زن‌هاست، ثبت می‌کنند. در چنشت رنگ سبز بیش از همه به چشم می‌آید و می‌شود این روستا را به یک پارچه سبز گلداز تشبیه کرد که به یک زمینه کویری جان هزار باره داده است. در پرونده امروز می‌خواهیم از زیبایی‌های روستای چنشت بگوئیم و از راه‌های این روستا که به سرزمین رنگ‌های ایران یا هزار رنگ معروف است، پرده برداریم.

